

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۷، شماره ۲۶، خرداد و تیر ۱۳۹۸

تحلیل آیین نمایشی اسب چوبی و بررسی منشأ آن

سید محسن سجادی^{*۱}

(دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۸)

چکیده

عروسی و آیین‌های آن همواره به‌عنوان یک مسئله مورد توجه اهالی این سرزمین و انسان‌ها بوده است. اسب چوبی یکی از نمایش‌های آیینی باستانی است که در بعضی نقاط فلات مرکزی و به‌خصوص در خراسان در هنگام مراسم عروسی و جشن اجرا می‌شده است؛ اما سبزووار از مراکز اصلی اجرای آن است. این آیین جنبه نمادین داشته است. در این پژوهش جنبه‌های مختلفی از این آیین مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهمیت آیین عروسی و حضور اسب در این آیین چیست؟ در این تحقیق که به روش تحلیلی - توصیفی است ابتدا به آداب و شیوه برگزاری این آیین، روش ساخت این عروسک و اجزای آن پرداخته و سپس وجه نمایشی این آیین و حضور اسب در آیین‌ها و اسطوره‌ها و ادبیات و منشأ آیین عروسی در اسطوره‌ها بررسی می‌شود. در بخش دیگر این پژوهش، پیشینه و منشأ آن واکاوی می‌شود. ثبت این آیین و اینکه این مراسم کم‌کم به فراموشی سپرده شده و از بین رفته است، ضرورت انجام این پژوهش را می‌رساند. این مراسم اکنون در منطقه خراسان و روستای حسین‌آباد آران و بیدگل دوباره احیا شده است. امید است بتوانیم در پژوهش حاضر، این مراسم آیینی و کهن را به هنردوستان معرفی کنیم و سبب آشنایی همگان با این آداب و رسوم شویم.

واژه‌های کلیدی: آیین عروسی، نمایش اسب چوبی، اسب.

۱. کارشناسی ارشد سینما، دانشگاه هنر تهران (نویسنده مسئول)

* msajjadib@yahoo.com

۱. مقدمه

آیین‌های عروسی قدمتی به اندازه تاریخ بشریت دارند که نمودی از جهان‌بینی مردمان و آداب و رسوم و شرایط زیستی آنان دارد. مردمان این سرزمین به دلیل تاخت و تاز دشمنان همیشه در معرض خطر بوده‌اند. آن‌ها این روحیه جنگاوری و آمادگی دفاع از وطن خود را همه جا و در همه شرایط حفظ کرده‌اند. اسب چوبی نمایشی ترکیبی است از فردی که بر اسب چوبی سوار است. نیم‌تنه مرد، سر و بدن اسب به شکلی با هم ادغام می‌شوند که گویی مرد بر اسب سوار است. رسم اسب چوبی از رسوم ویژه‌ای است که در معدود روستاهای حاشیه کویر مرکزی و دیگر مناطق کشور از جمله سبزوار، نیشابور، سمنان و... اجرا می‌شود. روستای حسین‌آباد کویر از توابع آران و بیدگل - که این سنت در آن برگزار می‌شود - منطقه‌ای است که تا چند دهه پیش قلعه- نشین بوده است و این نشان از زندگی خانواده‌ها و افراد در یک نقطه و تعامل آن‌ها و همچنین نشان از در معرض خطر و حمله اجانب و دزدان دارد که گاه و بیگاه به این مردمان حاشیه کویر حمله می‌کردند. لذا این مردم چه از لحاظ معماری و چه از لحاظ آمادگی جسمانی، همیشه باید آماده مواجهه با آن‌ها باشند. لذا در مواقع شادی نیز آن‌ها آمادگی خود را می‌آزمایند و روحیه جنگاوری خود را حفظ می‌کنند و همچنین به دختران و پسران جوان نیز آموزش می‌دهند. حیوان محبوب و هم‌پای مردم کویر شتر است؛ اما در این مراسم اسب به کار گرفته می‌شود. اسب از لحاظ اسطوره‌ای همیشه در تاریخ و فرهنگ این کشور جایگاه ویژه‌ای داشته است. همچنین اسب در رزمگاه‌ها همیشه یار و یاور جنگاوران بوده است. در برخی منابع از این آیین به‌عنوان یک بازی یاد شده است. در ادامه رسم آیینی اسب چوبی، جایگاه عروسی و اسب در اسطوره‌ها و ادبیات، وجه نمایشی آن، ساخت عروسک و آداب مراسم و پیشینه این آیین به طور جداگانه بررسی می‌شود.

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود. شیوه دست‌یابی به اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی است. میدان تحقیق در این موضوع، روستای حسین‌آباد آران و بیدگل است.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد موضوع حاضر، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است؛ اما در جنبه‌های دیگر این آیین، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. اندیشه قدیریان و محمودرضا سلیمانی در پژوهشنامه خراسان بزرگ (سال دوم، شماره ۷۰) در پژوهشی با عنوان «نمایش آیینی اسب چوبی، نماد پایداری و وحدت مردم خراسان» از زاویه دیگر به این موضوع پرداخته‌اند.

منیژه مقصودی و موسی‌الرضا غربی در کتاب مجموعه مقالات انسان‌شناسی هنر (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «مراسم آیینی اسب چوبی»، به معرفی کلی این آیین پرداخته‌اند. مجید عسکری و همکاران در مجموعه مقالات همایش علمی کنگره بین-المللی سربداران در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل آیین نمادین اسب چوبی، آیینی بزمی و رزمی در نهضت سربداران» به ارتباط این آیین با نهضت سربداران پرداخته‌اند. بهار مختاریان و تهمینه واعظ شوشتری در نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختاری آیین‌های اسب چوبی و کوسه‌برنشین در ایران و پیوند آن با آیین‌های فرهنگ هندواروپایی» به معرفی این دو آیین و مقایسه آن با آیین‌های هندواروپایی پرداخته‌اند.

در چند کتاب دیگر نیز به معرفی کلی این آیین پرداخته شده است؛ مانند پوپک عظیم‌پور تبریزی در کتابی با عنوان فرهنگ عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی آیینی و سنتی ایران در بخش معرفی نمایش‌های آیینی به معرفی کوتاه این آیین پرداخته است. اگرچه در این پژوهش‌ها به معرفی کلی این آیین پرداخته شده و یا از جنبه‌های دیگر به این آیین نگاهی گذرا شده است؛ اما پژوهش حاضر کاری نو است.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. معرفی روستای حسین‌آباد آران و بیدگل

روستای حسین‌آباد از توابع بخش کویرات شهرستان آران و بیدگل در شمال استان اصفهان است. این روستا در دهستان کویر قرار دارد و بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۶۸۶ نفر است. این روستا در حاشیه کویر مرکزی ایران قرار دارد و شغل

بیشتر مردمان این دیار کشاورزی است. این ناحیه تا چندی پیش قلعه‌نشین و همیشه در معرض حمله دزدان و راهزنان بوده است. آیین اسب چوبی در گذشته در تمام مراسم جشن و شادی این منطقه کاربرد داشته؛ اما در اثر گذشت زمان به فراموشی سپرده شده است. اخیراً با تلاش مردم این ناحیه، دوباره در مراسم عروسی این آیین را اجرا می‌کنند و سعی در احیای آن دارند.

۲-۳. آداب و شیوه برگزاری مراسم

«آیین نمایشی اسب چوبی، نمایشی مردمی است که در برخی نقاط ایران از جمله سبزوار، گیلان، سمنان، هرمزگان و سیستان برگزار می‌شود» (مقصودی و غربی، ۱۳۹۲: ۱۶۴). این مراسم معمولاً در آیین‌های شادی و در مناطق مختلف به صورت گوناگون اجرا می‌شود؛ اما اجرای کلی آن در مناطق مختلف تقریباً مشابه هم است. محمود بیهقی در *دائرةالمعارف بزرگ سبزوار* چنین می‌گوید:

اسب چوبی عبارت است از چوب‌هایی که به شکل کره اسبی درست می‌کنند و دست‌های آن پای اجراکننده می‌باشد و دو پا هم بعد از آن بر روی آن پارچه‌های مخملی رنگارنگ و مجری هم لباسی در همان زمینه به تن دارد و سر را پوشانده (البته در زمان قدیم صورت را هم آرایش می‌کردند). او با شمشیری که در دست همچون جنگاوری که با اسب به دشمن حمله کند؛ زیرا که معتقدند نمادی از مغول می‌باشد که سرداران با چوب و... با او می‌جنگند... با نواختن دهل و سورنا «سوننای به گوش» به جولان می‌افتد و دیگران هم با دست زدن هلهله‌کنان مجلس را رونق می‌بخشند (بیهقی، ۱۳۸۶).

بازیگر در میان قلب (اسب چوبی) قرار می‌گیرد و با حرکات پا و فریاد همراه با سازها و آواهای محلی نقش‌آفرینی می‌کند. او با حرکات دست، پا و شور گرفتن در میان جمعیت حرکت می‌کند. مرد سواره صورت خود را نیز می‌پوشاند تا نمایش طبیعی‌تر جلوه کند. در نمایش اسب چوبی گاه دو سوار یا پیادگانی چوب در دست، با اسب چوبی به چوب‌بازی می‌پردازند؛ اما معمولاً چند پیاده با چوب به صورت نمادین با یکدیگر نبرد می‌کنند که حاکی از آمادگی جسمانی آن‌ها و تمرینی برای افزایش آمادگی جسمانی است. آن‌ها با این عمل، علاوه بر آمادگی برای رزم، نبرد را به دیگران هم

آموزش می‌دهند. در ضمن آن‌ها برای هر حمله به کاروان عروسی آمادگی خود را به رخ می‌کشند. این نبرد دونفره با جدیت برگزار می‌شود. همچنین آن‌ها با چنان مهارتی به یکدیگر ضربه می‌زنند که هیچ یک آسیبی نمی‌بینند. صحنه، صحنه رزم است. چوب امروز شمشیر فرداست. یادآور این بیت مولوی است که:

غازی به دست پور خود شمشیر چوبین می‌دهد تا او در آن اوستا شود. در روز غزا سواره نیز به همراه عروس و داماد به راه می‌افتد و مردم نظاره‌گر آن هستند. در روستای حسین‌آباد، در مراسم عروسی، اسب در وسط قلعه، بازی می‌کند. جمعیت دور تا دور اسب می‌ایستند، اسب‌سوار در میانه مردم بازی و نمایش اجرا می‌کند. سواره نیز با بالا و پایین کردن اسب نوعی جوش و خروش و هیجان به بیننده منتقل می‌کند. سواره همچنین دستمالی در دست دارد که آن را تکان می‌دهد و با آن به شادی می‌پردازد. همچنین برای ایجاد توازن در حرکت اسب چوبی از سازه‌های کوبه‌ای مانند دهل هم استفاده می‌شود. محمدرضا درویش در کتاب از میان سرودها و سکوت‌ها درباره اسب چوبی می‌نویسد:

وجوه مشترک تمام این اجراها، حضور نوازندگان سرنا و دهل، رقصنده و یا چوب‌باز، شمشیر به دست داخل اسب چوبی می‌باشد. اسب چوبی که با پارچه‌های الوان و رنگین پوشیده شده و تزیین شده است. در برخی از اجراها یک غلام سیاه با ظاهر و حرکاتی مضحک حضور دارد و در برخی دیگر تعدادی رقصنده یا چوب‌باز، گرداگرد اسب چوبی با او چوب‌بازی می‌کنند (درویشی، ۱۳۸۰ : ۷۸).

موسیقی در این آیین نقش مهمی دارد. نمایش اسب چوبی با استفاده از موسیقی فولکلور به شکل موزیکال و معمولاً همراه با دهل و سرنا اجرا می‌شده است. آوای دهل و سرنا ضرباهنگ جنگ و رزم بوده است. از سوئی چوب‌بازی و از سوی دیگر آوای دهل و سرنا از سواران اسب چوبی، جنگاوران راستینی پدید می‌آورد. در مناطق دیگر گاهی اسب چوبی نماد مغول و چوب‌بازها نماد روستاییان و مردم هستند که با او به جنگ می‌پردازند و در نهایت پیروز می‌شوند.

به‌طور کلی می‌توان اجرای این نوع نمایش در مراسم عروسی را به‌صورت اسب چوبی رزمی و اسب چوبی بزمی دسته‌بندی کرد. اسب چوبی در مناطق خراسان، مرکز،

شمال و جنوب ایران جزو آیین‌های حماسی بوده و همراه با سرنا و دهل اجرا می‌شده است. در حال حاضر بیشتر در قسمت‌های شمالی خراسان اجرا می‌شود. در بعضی مناطق اسب چوبی در جدالی نابرابر و با نمایشی نمادین، شمشیربازانی را که همچون او (مرد سوار اسب چوبی) در حال رقص‌اند در درگیری نمادین شکست می‌دهد.

نمایش اسب چوبی نوعی از نمایش خیابانی است با این تفاوت که این نمایش بیشتر در عروسی‌ها و مراسم‌های خاص اجرا می‌شود. زمانی که عروسی بر پا می‌شود برای تنوع بخشیدن به عروسی و جلوگیری از یکنواختی آن و به منظور ایجاد روحیه دشمن‌ستیزی، نمایش اسب چوبی اجرا می‌شود. در هنگام انجام نمایش اسب چوبی خانواده داماد و گاهی خانواده عروس به فراخور حال خود هنرمندان را شواش (شاد باش) می‌کنند. اجرای نمایش اسب چوبی معمولاً شب‌ها انجام می‌شود؛ اما در برخی اوقات در پیش از ظهر هم اجرا می‌شده است.

نمایش اسب چوبی آمادگی برای دفاع و تمرین رزم است، برانگیختن حس جنگجویی است، تکرار و یادآوری رزم سرداران و پهلوانان و قهرمانان دیروز است که ملک و دیاری را سربلند نگه داشتند. در گذشته خانواده‌ها از طریق برپایی این آیین نمایشی نه تنها پسران بلکه دختران خود را برای رزم آماده می‌کردند و زنان و دخترانی که در کنار مردان به تماشای این نمایش می‌نشستند، خوی دشمن‌ناهراسی در وجودشان زنده می‌شده است.

کلیم‌اله توحیدی برای نمایش اسب چوبی کارکرد حماسی و دفاعی ترسیم می‌کند که چگونه کاروان عروس دچار حمله راهزنان می‌شود و سواران حتی عروس کاروان دست به چوب یا همان شمشیر می‌برند و به جنگ راهزنان می‌شتابند و در وسط میدان، کاروانیان اسب چوبی، با هم به نبرد می‌پردازند و با شکست راهزنان شادی و شادمانی و شغف در میان تماشاچیان دوچندان می‌شود.



تصویر ۱: اسب چوبی منبع (عظیم‌پور، ۱۳۸۹: ۴۶)

۳-۳. ساخت عروسک

اسب چوبی از اجزای مختلفی تشکیل می‌شود. ابتدا به تنها توصیف ساخت این عروسک که در کاشان بیشتر اجرا می‌شده است، اشاره می‌شود و سپس به ساخت این عروسک به‌طور کلی پرداخته می‌شود. هوشنگ جاوید در شرح توصیفی آن، چنین می‌گوید:

برای بازی ابتدا پارچه‌های کهنه را به دور چوبی در حدود نیم متر به گونه‌ای می‌پیچیدند که شکل کله‌اسب پیدا کند. سپس با سوراخ کردن بدنه دو غریال آن‌ها را با طناب به دو چوب وصل می‌کردند به گونه‌ای که غریال‌ها سینه و کپل اسب را بنمایاند. به این ترتیب اسکلت اسب آماده می‌شد؛ بعد دو طناب از آن طوری عبور

می‌دادند تا بدنه در حالت آویزان بر شانه‌ها حمل شود و سپس با پارچه چادرنمازی علاوه بر آنکه چوب‌ها را می‌پیچیدند، برای بازیگر لباس فراهم می‌کردند، پیچیدن چوب‌ها با پارچه بدین دلیل بود که بدن اسب‌سوار در اثر اصابت به لبه‌های چوب زخمی نشود، وقتی فرد لباس برتن می‌کرد آرایش نهایی اسب با پارچه‌های رنگی انجام می‌شد. در ناحیه گوش‌ها زنگوله می‌آویختند و بازیگر در انگشتانش سنجک برنجی فرو می‌برد و با زنگوله‌های تزئینی آرایش بدنه تکمیل می‌شد؛ از پارچه سیاه برای اسب دم درست می‌کردند. وقتی بازیگر در زیر چادر قرار می‌گرفت فقط چشم‌هایش دیده می‌شد و هیچ کس نمی‌توانست چهره او را ببیند. اسب که به‌طور کامل آماده می‌شد نوازنده ضرباهنگ تندی اجرا می‌کرد که حکم خیر داشت. سپس بازیگر شیهه‌کشان، دقیقاً منطبق با صدای اسب، به محوطه می‌دوید و با ضرباهنگ‌های گوناگون حالات مختلف راه رفتن اسب را می‌نمایاند و گاه حرکات طنزی نظیر لنگیدن اسب، رمیدن و شیطنت با تماشاگران را به مجموع حرکات اضافه می‌نمود که موجب ایجاد لحظات شادی می‌شد؛ این بازی را اکثراً در شب‌های چله تابستان و یا در فصل بهار انجام می‌دادند (جاوید، ۱۳۸۱: ۱۷۹-۱۸۱).

اجزای اصلی اسب چوبی از دو مستطیل و دو دایره که محیط بر مستطیل است، تشکیل می‌شود؛ یک دایره آن که در اصطلاح محلی به آن «قلبر» گفته می‌شود و بازیگر در آن قرار می‌گیرد و نیز دو بند که به اسب وصل می‌شود و آن را بر شانه بازیگر قرار می‌دهد. قسمت اسب نیز از دو بخش عمده شامل تنه (بدن اسب) و قطعه سر تشکیل می‌شود که توسط کمربندی تسمه‌ای به هم متصل می‌شوند و درنهایت بر دوش سوارکار قرار می‌گیرند. در اطراف فضای مستطیل پارچه‌ای قرار دارد که تا روی پای بازیگر کشیده و مانع از دیدن پای او می‌شود. سر اسب معمولاً پارچه‌ای و دیگر اجزای آن چوبی است. همانطور که گفته شد بازیگر در میان قلبر قرار می‌گیرد و با حرکات پا و فریاد همراه با سازها و آواهای محلی اجرای این آیین را انجام می‌دهد. بدن اسب چوبی از اسکلتی شامل چارچوب موازی به‌صورت دو چوب سمت راست و دو چوب سمت چپ تشکیل می‌شود که انتهای دو سمت آن به‌وسیله دایره‌ای چوبی که همان قلبر است، به هم متصل می‌شوند.

پارچه‌ها به رنگ‌های مختلف شامل قرمز و سبز بخش عمده اسب چوبی هستند که بدن اسب چوبی را دربرمی‌گیرند؛ معمولاً پارچه‌ها به سلیقه افراد انتخاب می‌شود. بیشتر پارچه‌ها برای پوشاندن چوب‌هاست تا اثرگذاری نمایش در دید بینندگان کم نشود. در نهایت، دم اسب چوبی است که باید از فلزی قابل ارتجاع ساخته شود. همچنین باید گفت، مراحل ساخت یک اسب چوبی، بالغ بر ده روز زمان می‌برد. با قرار گرفتن فرد در درون اسب چوبی دو بند که به چوب‌هایی اسب وصل شده‌اند بر روی شانه‌های بازیگر قرار می‌گیرند تا هنرمند در هنگام چوب‌بازی بتواند به ایفای نقش بپردازد.

۳-۴. وجه نمایشی آیین اسب چوبی

اجرای نمایش و به‌کار گرفتن هنر برای بیان کردن خاطره رشادت‌ها و دلیرمردی‌ها و گفتن دردها و مشکلات و معضلات جامعه تأثیر عمیق‌تری دارد؛ زیرا توانایی‌ها و درک بشر از راه قوه بصری لذت‌بخش و نتیجه‌بخش‌تر از سایر کارهای هنری است.

در نمایشی که تماشاگران خود را با بازیگران در مکانی واحد روبه‌رو می‌بینند، و بازیگران که شخصاً حضور دارند، می‌توانند در قبال واکنش‌هایی که برانگیخته‌اند، واکنش کنند. جامعه‌ای که جماعتی انسانی به خود معرفتی خارق‌العاده، می‌یابند. نه فقط بدین سبب که بازیگران، آینده‌داران شیوه زندگی و چون و چراکردن‌های آن جامعه‌اند؛ بلکه از این رو که تماشاگران واکنش‌ها و قبول یا رد و موافقت یا انکار خویش را در قبال تصویری که از وی به وی می‌نمایانند، ابراز می‌دارند. بدین جهت نمایش‌های مختلف نقشی بس عمده در فهم و ادراک تصویر سرزمینی و جامعه‌ای و فرهنگش و هویت و خصوصیتش دارد، شاید بیش از هر نقد حال دیگر آن جامعه (ستاری، ۱۳۷۴: ۹).

ادبیات نمایشی که در تاریخ و فرهنگ و هنر این مرز و بوم ریشه دارد، توانسته است در کنار دیگر آثار هنری ذهن و زبان بیننده را با نمایش اسب چوبی تسخیر کند و با جلوه‌های گوناگونی که دارد تأثیر بسیاری بر بیننده بگذارد؛ زیرا

نمایش یکی از نخستین فعالیت‌های انسانی و ازجمله پایدارترین و شاید هم برترین آن‌هاست، حقیقی‌ترین و ثمربخش‌ترین قدرت خلاقه انسانی از طریق نمایش به منصفه ظهور می‌رسد. نمایش‌های سنتی تنها زبان و بیان یک قوم و یک

ملت نیست، بلکه حقیقی‌ترین و زنده‌ترین گواهی تمدن است، و در جهان تنها داد و ستد آزاد، یعنی داد و ستد احساسات و اندیشه هاست (ستاری، ۱۳۷۴: ۹).

اسب چوبی که کارکردی حماسی و دفاعی دارد، نمادی از ستم‌ستیزی نبرد با دشمنان است. «مطالعه در فرهنگ اقوام و آیین‌ها و نمایش‌های آن‌ها آشکار می‌کند که با گذشت زمان آیین‌ها، آوازاها و مراسم نمایشی به مضامین و منظوره‌های متفاوت و مشخصی تفکیک و تجزیه شدند» (نصری اشرفی، ۱۳۸۳، ۱/۳۱۸).

در نمایش اسب چوبی گاه دو سوار یا پیادگانی چوب در دست، با اسب چوبی به چوب‌بازی می‌پردازند که صحنه، ترسیمی از صحنه رزم است. همچنین وجود موسیقی فولکلور به شکل موزیکال و معمولاً با همراهی دهل و سرنا، ضرباهنگ جنگ و رزم را به یاد می‌آورد.

۳-۵. اسب در اسطوره‌ها و آیین‌ها

اسب همیشه در جوامع مختلف، از جمله ایران و یونان بسیار مهم است و لذا در اسطوره‌های این دو سرزمین نقش مهمی دارد. در اسطوره‌های یونان، اتنا، نخستین کسی است که توانست اسب‌ها را رام کند تا انسان‌ها بتوانند بر آن سوار شوند. همچنین بر اساس اساطیر یونان، پوزئیدون اسب را آفرید و او را مخترع سوارکاری نیز می‌دانند. در یونان، سانتورها، غول‌هایی هستند که سر و دست و بالاتنه انسانی داشتند؛ اما پایین‌تنه آن‌ها به سان اسب بود. این موجودات دارای چنان خرد و اندیشه‌ای هستند که از انسان عادی پیشی گرفتند و پگاسوس، موجود افسانه‌ای که در کوه المپ ماندگار شد، یک اسب بال‌دار سفید است. این موجود در تمثیلات دوره رنسانس، نماد شهرت شد؛ اما اسب حیوانی است که در بیشتر اساطیر به هوش و فراست معروف است.

هندواروپاییان نخستین قومی بودند که اسب را اهلی کردند و توسط ایرانیان نیز این جانور به سرزمین بابل و مصر راه یافت. مرکز اصلی پرورش اسب، کوه‌های تیانشان در ترکستان شرقی بود و اسب گردونه نیز از این‌جا به چین راه یافت. اسب عربی که به‌خوبی معروف است، به نظر برخی همان اسب ایرانی است. در کتاب مقدس نیز آمده است که اسبی آتشین و ارابه‌ای آتشین، «ایلیا» را به آسمان بردند. تهمورث هم زمین را بر پشت اهریمن که به‌صورت اسبی درآمده بود، درهم

نوردید. در چشم ایرانیان رزم‌آور، داشتن اسب و گردونه، نشانه‌اشرافیت و امتیاز به‌شمار می‌آمده است (دادور و مبینی، ۱۳۸۸: ۵۴).

اسب در فرهنگ اقوام هندواروپایی، نشانه‌ویژه ایزد افتاب (خورشید)، ایزد ماه و ایزد باد، بوده است. تیشتر فرشته و ایزد باران، برای دستیابی به آب‌های بارور، در پیکر اسبی سفید با گوش‌هایی زرین و لگام زرین درآمد و با پوش دیو، دیو خشکسالی، که او نیز به‌صورت اسب سیاهی درآمد بود، جنگید. ابتدا شکست خورد؛ اما درنهایت او را شکست داد. او به‌وسیله ابر و باران، آب را در همه زمین پخش کرد. در اساطیر ایران، درواسپ به معنی «دارنده اسب تندرست»، از ایزدان حامی چهارپایان و به‌خصوص اسبان است. بهرام (ایزد جنگ) در سومین تجلی و ویشنو در دهمین تجلی خود، به‌صورت اسبی سفید و زیبا ظهور خواهند کرد. از لحاظ طرح کلی معماری، شهر شوشتر به شکل «اسب» ساخته شده است.

نام بسیاری از بزرگان اساطیری ایران با نام اسب پیوند خورده است: گرشاسب (دارنده اسب لاغر)، ارجاسپ (دارنده اسب ارجمند)، لهراسب (دارنده اسب تیزرو)، گشتاسپ (دارنده اسب آماده)، تهماسب (دارنده اسب زورمند و فربه)، هوسپ (دارنده اسب خوب)، بیوراسب (دارنده ده هزاراسب)، شیداسپ (دارنده اسب درخشان) و سیاوش (دارنده اسب سیاه). در فرهنگ ایران و قسمت‌هایی از جهان «اسب سفید» نشان بی‌گناهی و خلوص و خرد و مرکب خورشید و نشان نجابت خانوادگی است. اسب سفید طلایی در اساطیر ایران شکلی از تیشتر (ایزد آب یا فرشته باران) و نشانه مردی و نیرومندی است. اسب تک‌شاخ نیز در افسانه‌ها مربوط به یک دوشیزه باکره است و تنها دوشیزگان می‌توانستند آن را بگیرند. شاخ آن همه چیز را تطهیر می‌کرد. تک شاخ همچنین نماد طول عمر و شادی و امید داشتن خانواده‌ای پرفرزند است.

در فرهنگ و اسطوره‌های ایرانی و سایر ملل، اسب اهمیت ویژه‌ای دارد و پس از گاو مهم‌ترین حیوان به‌شمار می‌آید. اهمیت این حیوان باعث شد که این حیوان در فرهنگ و آیین‌های این سرزمین نفوذ کند و این حیوان همیشه عضو ثابت آیین‌های این سرزمین باشد. حضور این حیوان در آیین اسب چوبی کاملاً نمادین است.

۳-۶. بازتاب اسب در ادبیات فارسی

اسب در ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی جایگاهی ویژه دارد. باورهای قومی و اساطیری فراوانی در مورد اسب در میان ملل رایج است، و سبب شده تا معانی سمبلیک فراوان از قبیل آزادی، اندام زیبا، انرژی خورشید، بخشندگی، پایداری، حس شنوایی، خیرخواهی، دانش زمانی، سپاسگزاری، پیروزی، قدردانی، سرعت، فهمیدگی و فراست، نیرومندی، هوش، خیره‌سری، سرسختی و غرور در هنر و اندیشه ادبی و فرهنگی تبلور یابد. در متون *اوستا* و ادبیات باستانی ایران از اسب به نیکی یاد شده است.

در اسطوره‌ها و مراسم دینی بسیاری از تمدن‌ها نیز، اسب مقامی شامخ دارد، و در وهله اول، نماد خورشید بود و گردونه او را می‌کشید و برای خدایان خورشید، قربانی می‌شد، آن را با خدایان دریا مربوط می‌دانستند. با توجه به اسطوره‌های آفرینش، اسب به مفهوم هستی (در برخی موارد اصلاً به صورت «است» آمده) ستاره‌ای از ستارگان رونده، قوس یا برج نهم سال، یکی از مظاهر تجلی و ظهور عالم امکان، فرشته گردونه‌کش خورشید که هر روز از بام تا شام خورشید را راهبر است و .. به صورت اسب تجسم یافته است (دادور و منصوری، ۱۳۹۰: ۶۸).

اسب امروز همان نامی را دارد که هزاران سال پیش نزد ایرانیان داشته است. اسب از ریشه «اس» به معنی دونده و تیزتک است؛ زیرا اسب تیزتک‌ترین جانور اهلی است. در *اوستا*، به صورت «آسپ» و در سانسکریت «آسو» خوانده شده است. شاعران، عارفان، نکته‌پردازان و خردمندان، پادشاهان و امیران، دهقانان و کارورزان ایرانی و دین‌آوران بزرگ آن را مظهر خوشبختی و رستگاری و فراست و تیزهوشی دانسته‌اند. عارفان بزرگ ایرانی در ادبیات سمبولیک، این مرکب سترگ را معراجی، آسمان‌پیما و عرش‌نورد دانسته، به عنوان شریف‌ترین وسیله برای عروج شایسته‌ترین انسان، پیغمبر اکرم (ص)، به سوی بی‌سویی و لامکان و لایتناهی توصیف کرده‌اند.

شاعران ایرانی در دیوان‌های خود به صورتی ستایش‌انگیز از این حیوان اصیل یاد کرده‌اند. در ادبیات غنایی و حماسی اسب، به نژادگی، نجابت و خوهای پسندیده توصیف شده است. همچنین در ادبیات بزمی و غنایی، اسب پایه و مایه پیوند دلدادگان و شیفتگان و نشانه به‌سر آمدن دوران جدایی و ملال است. اسب در ادبیات ایرانی به این نام‌ها خوانده شده است: باره، بارگی، نوند، فرس، بارگیر، شولک،

ابوطالب، ابو منقذ، ابوالمضمار، ابوالاخطل، ابوعمار، خیل و غیره. همچنین اسب بنا به بزرگی و کوچکی و ویژگی‌های رفتاری و رنگ‌های آن نیز دارای نام‌های متفاوت است. بیشترین کاربرد اسب در ادبیات به شاهنامه فردوسی مربوط می‌شود. اسب در شاهنامه عامل پیروزی‌ها و پیشرفت‌ها و وسیله‌ای است که اگر سواری لایق و کارآمد داشته باشد یاری بزرگ برای پهلوانان و دلاوران است و سواران بدان می‌بالند. اوصاف اسب در شاهنامه بسار مفصل است.

در شاهنامه، اسب‌های گوناگون به صفات و امتیازاتی موصوفند، مثلاً اسب خاندان گشتاسب سیاه است، اسب بیدرفش که بعد از کشته شدن او به دست بستور افتاد و نیز اسب سیاوش هم سیاه توصیف شده است و چنان که گذشت اصلاً سیاوش به معنی «دارنده اسب سیاه» است. توصیف فردوسی از این اسب سیاه، یادآور اسب معروف خسرو پرویز است که در اثر سیاهی به شب‌دیز معروف شد (یاحقی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

اسب در ادبیات ملی و میهنی و به‌خصوص در حماسه‌ها - که بازتاب فرهنگ و اعتقادات و آداب و رسوم مردم آن ناحیه‌ای است که در آن شکل می‌گیرد - با وظایفی خاص و مهم حضور دارد. از آن جمله شاهنامه فردوسی است که اسب و تصویرهای مربوط به آن به‌طور گسترده دیده می‌شود. اینک ببینیم که چرا اسب، این همه مورد توجه واقع شده و چرا اسم فرشته حافظ جانوران مفید در اوستا از کلمه گاو مشتق شده است، دلیلش بسیار واضح است؛ زیرا اسب حیوانی است متفاوت با سایر حیوانات و قرن‌ها به‌عنوان مرکوب، محمول و مظروف اقوام چادرنشین مطرح بوده است. درحقیقت، اسب در نزد اقوام و ملل قدیم به‌عنوان یک حیوان استراتژیک مطرح بوده که همواره در جنگ‌ها و سوارکاری و خبررسانی‌ها مورد اهمیت و استفاده بوده است، بنابراین سرنوشتی جدایی‌ناپذیر از سرنوشت انسان دارد.

۷-۳. منشأ آیین عروسی در اسطوره‌ها

انسان عصر باستان هرآنچه سالانه در تصویر طبیعت می‌دید؛ از جمله زردی و خشکی، مرگ، باروری و زندگی و حیات مجدد، به اشکال مختلف در زندگی و آداب و رسوم خود به‌کار می‌برد و به‌نوعی از طبیعت تقلید می‌کرد. این جریان مرگ و زندگی، در

فرهنگ مردمان این سرزمین جنبه‌ای اسطوره‌ای پیدا کرده و نمودش به اشکال مختلف داستانی و اسطوره‌ای ظاهر شده است. «اسطوره بیانی مستقیم و فلسفی است که ورای علم است و در ساختار و شمایل یک روایت یا نماد ظاهر می‌شود و برشی از واقعیت را نشان می‌دهد» (امامی، ۱۳۸۵ : ۱۹۰). به باور انسان کهن، تجدید حیات با تقلید آیینی کهن‌الگوی ازدواج مقدس ممکن بوده است. اسطوره مرگ و حیات مجدد در بسیاری از روایت‌های کهن دیگر تکرار می‌شود، مانند یوسف از چاه در می‌آید و عزیز مصر می‌شود، نجات منیژه از چاه و....

در داستان‌های رامبا و سیتا در هند، تموزی و ایشتر در بین‌النهرین، آفرودیت و آدونیس در فینیقیه، ازیریس و ایزیس در مصر، مرگ، شهادت، به آتش فرو رفتن، تبعید شدن یا به زندان تاریک در افتادن، نماد پنهان شدن و از هستی رهیدن دانه شده است و بازگشت از جهان مردگان، از آتش رهیدن، از تبعید و زندان رها شدن و به فرمانروایی و قدرت رسیدن، جانشین باز رویدن دانه شده است.

آیین‌های عروسی که پیشینه‌ای به اندازه تاریخ بشریت دارد، نمودی عینی از جهان‌بینی مردمان و شرایط زیستی آنان بوده است و همواره پیوستگی دقیقی با وجوه بنیانی زندگی انسانی داشته است. رسم اسب چوبی از آیین‌های ویژه مراسم شادی و جشن بوده که در مراسم عروسی به صورت نمادین و آیینی در معدود روستاهای حاشیه کویر برگزار می‌شده است. در این جا اسب نقش محوری دارد و این حیوان، موجود دلخواه مردم حاشیه کویر نیست. از آنجایی که شتر حیوان محبوب مردمان کویر بوده، پس وجود اسب در این آیین جای بحث دارد. در اساطیر همان‌گونه که گفته شد اسب اهمیت ویژه‌ای داشته است و در اسطوره‌های ایرانی سیاوش به معنی دارنده اسب سیاه، برای اثبات بی‌گناهی خویش از دو کوه آتش گذشت. سرانجام سیاوش به فرمان افراسیاب کشته می‌شود. از خون سیاوش گیاهی به نام «خون سیاوشان یا پرسیاوشان» می‌روید. سیاوش به عنوان نماد یا خدای نباتی در اساطیر مطرح و به تموز بابلی و اوزیریس مصری و آدونیس فینیقی و یونانی شبیه می‌شود. افسانه همه این داستان‌های اسطوره‌ای کنایه از مرگ و زندگی است. پس اسب در این آیین به علت وجود آن در اساطیر این سرزمین، مانند دیگر آیین‌ها، نقش پررنگ دارد.

با توجه به مباحث مطرح شده در بالا انتخاب اسب به عنوان حیوان شرکت کننده در این آیین جنبه نمادین و اسطوره‌ای داشته است و این مسئله از شرایط زیستی این مردمان به دور بوده است. آیین عروسی از رسوم اولیه جوامع نخستین بوده و این آیین با توجه به آن مرگ و حیات مجدد در طبیعت که آن نیز در اسطوره‌های باستان ریشه داشته، شکل گرفته است. پس یک آیین اسطوره‌ای و باستانی، حضور یک حیوان اسطوره‌ای را می‌طلبد که حضور اسب در این آیین را منطقی جلوه می‌دهد.

۳-۸. پیشینه و منشأ آیین اسب چوبی

در مورد قدمت نمایش اسب چوبی نظرات متفاوتی وجود دارد. بسیاری همچون آقا گل پتق، مورخ گلستانی، قدمت آن را مربوط به یک صد سال پس از حمله مغولان می‌دانند و برخی دیگر پیشینه آن را به دوران رواج نمایش‌های بومی محلی در زمان قاجار منتسب می‌دانند. محمدرضا درویش درباره منشأ اسب چوبی می‌نویسد: «منشأ این نمایش اگر چه در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. مسلم است که در اصل جنبه آیینی داشته و به مرور پیرایه‌هایی بر آن افزوده شد و فرم‌های متنوعی از آن استخراج شده است. شخصیت این نمایش نمادین هستند و دارای جنبه‌های قوی حماسی و اسطوره‌ای» (درویشی، ۱۳۸۰: ۱۵۸).

آیین اسب چوبی یک مراسم نمادین است که پیشینه آن به مغول‌ها و شاید پیش‌تر برمی‌گردد. چند علت برای پیدایش این مراسم و نحوه اجرای آن وجود دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم. در زمان حکومت مغولان که اجازه آموزش‌های رزمی و تمرین منش‌های پهلوانی به جوانان داده نمی‌شد تنها راه این آموزش از طریق رقص‌ها بود. سواره و پیاده نیز با این حرکت‌ها هم روحیه جنگاوری خود را حفظ می‌کردند و هم به نوعی آن را به دیگران آموزش می‌دادند.

نمایش اسب چوبی نتیجه عینی و معمولی با استفاده از بازی‌ها، آداب و رسوم، ورزش‌های بومی، سازها و نوع به‌کارگیری آن‌ها در قالب یک نمایش پرتحرک و بدون کلام و در عین حال گویاست. اجرای این نمایش، هشدار است به تمامی آنانی که اهدافی پلید را علیه این مرز و بوم و مردم آزاده و مسلمان کشور ایران در

سر می‌پروراند و سرنوشت متجاوزین به این آب و خاک به جز ذلت، خواری و بدبختی و نیستی نخواهد بود (کارگری، ۱۳۶۹: ۲۷۱).

از طرفی به دلیل آنکه مغولان به حدی از گستاخی رسیده بودند که به صورت گروهی یا تک‌نفره به مراسم و جشن‌های عروسی حمله می‌کردند و با کشتن داماد، عروس را می‌زدیدند، مردم این سرزمین برای آمادگی در مقابل چنین تجاوزاتی با برگزاری مراسمی همچون اسب چوبی، جنگیدن و نحوه مقابله با دشمن را تمرین می‌کردند. در این نوع مراسم اسب چوبی نمادی از یک تک‌سوار است که اگر تک‌سوار دوست باشد از آن استقبال می‌شود و اگر دشمن باشد توسط مردم از بین می‌رود. در سایر سرزمین‌ها نیز چنین مراسمی برپا می‌شود.

در مراسم مختلف شمنی، میان اقوام زردپوست و سرخ‌پوست و مراسم متفاوت زار در میان آفریقاییان و ساحل‌نشینان دریای عمان و خلیج فارس پیوسته یک نکته مدنظر قرار دارد که دفع نیروهای شر و جلب نظر نیروهای خیر اساس آن را تشکیل می‌دهد. در همین ارتباط عناصر متعدد و متفاوتی در باور افراد شکل گرفته و خلق می‌شوند. عناصری که به دو گروه مشخص قابل تفکیک‌اند. یک دسته از این نیروها در هیئت فرشته‌های مهربانی، رحمت و برکت تجلی می‌یابند و گروهی دیگر به صورت اهریمنان شومی که مرگ و نابودی مردان و زنان قبیله تنها هدف و انگیزه آنهاست. نیروهای دادگر و خیر در مبارزه خود علیه خدایان بیدادگر و شرور به حمد و ثنا، ستایش و حمایت افراد قبیله نیازمندند. این حمایت از طریق آوازاها، رقص‌ها و بازی‌ها و حرکات نمایشی و آیین‌های ویژه به عمل می‌آید (نصری اشرفی، ۱۳۸۳: ۱/۳۱۵).

این آیین در تمرین رزم و حماسه و میهن‌دوستی ریشه دارد. کلاس در دسترس، درس جنگاوری، برای کودکانی بوده است که صحنه رزم را ندیده‌اند. اسب چوبی نمادی از ستم‌ستیزی و نبرد با دشمنان است.

با توجه به این مطلب و نوع این آیین که به صورت مراسم نمادین درگیری و جنگاوری اجرا می‌شود و با توجه به حمله‌های گاه و بی‌گاه مغولان، این ادعا که پیشینه این مراسم به دوره مغول بر می‌گردد، تقویت می‌شود. کلیم‌اله توحیدی در معرفی اسب چوبی آورده است:

با نگاهی به اساطیر ایران و روم در یافته که نمایش «اسب چوبی» نیز مانند «تورغ» برگرفته از اشتراکات فرهنگی ایران و یونان و روم قدیم بوده و نمادی از اسب چوبی «تروا» است که در حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد در محل «دار دانل» در کشور کنونی ترکیه معروف به روم شرقی روی داد که چون کردهای ما در دوران باستان در نواحی مرزهای غربی کشور با رومیان هم‌مرز و در گیر جنگ و نبرد بوده‌اند این میراث فرهنگی را به ارث برده‌اند (توحیدی، ۱۳۸۸: ۱).

اما باز هم سؤال دیگر از کجا معلوم که مبتکران نخستین این اسب چوبی کردها نبوده و یونانیان بوده‌اند و به نام آن‌ها در تاریخ ثبت شده است! چون یونانیان اهل قرتاس و قلم بودند و تاریخ و افتخارات فرهنگی خویش را نوشته و ثبت و ضبط می‌کردند؛ ولی برعکس ایرانیان کمتر چیزی را به نام خود می‌نوشتند (همان).

اما در منابع معتبر دلیل قابل اتکایی که پیشینه این آیین را به یونان انتساب کند، یافت نشد و این موضوع بیشتر یک نظر شخصی است. همانطور که گفته شد اسب در اسطوره‌های یونان مانند اسطوره‌های ایران حیوان مهمی است و در این اساطیر نقش پررنگی دارد و این دو فرهنگ بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته‌اند. پس می‌تواند در آیین اسب چوبی نیز تأثیر غیرمستقیم داشته باشد. در مجموع به دلیل قابل اتکا نبودن، انتساب پیشینه این آیین به یونان رد می‌شود و این آیین در فرهنگ و اساطیر ایرانی ریشه دارد.

۴. نتیجه

آیین اسب چوبی از مراسم آیینی مردم فلات مرکزی و خراسان است که به نوعی نماد پایداری و ذلت‌ناپذیری این مردمان است. با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد که این آیین روشی برای تمرین آمادگی و آموزش جنگاوری است که در مواقع منع جنگاوری توسط مردان جایگزین شده است. همچنین به دنبال ناامنی‌ها و حملات غارتگران به مراسم عروسی، این آیین کارکردی دفاعی داشته است. برای علت اجرای این مراسم در آیین عروسی دو دلیل را می‌توان ذکر کرد: ۱. مقدس بودن و پر اهمیت بودن اسب در اسطوره و فرهنگ ایران باستان، ۲. نوعی دفاع در مقابل حملات احتمالی دشمن به مراسم و همچنین کسب نوعی مهارت در جنگاوری و القای این روحیه جنگاوری و آموزش دفاع در مقابل مهاجمان به دختران و پسران این سرزمین. وجود اسب در این

آیین از اسطوره‌های این سرزمین گرفته شده است. همیشه اسب در اسطوره‌های این سرزمین و سایر ملل، موجودی مهم و قابل ستایش بوده، لذا در این آیین از اسب استفاده شده است. منشأ این مراسم نیز به دلیل مقدس بودن اسب در اساطیر ایرانی به زمان‌های دور برمی‌گردد؛ زیرا ایرانیان در آیین‌های خود همواره اسطوره‌های خود را گرامی می‌داشتند. اما با توجه به دلایل گفته‌شده، این آیین به زمان مغولان و بعد از آن برای جلوگیری و مقابله با حملات احتمالی دشمنان برگزار می‌شده است.

منابع

- امامی، نصرالله (۱۳۸۵). *مبانی روش‌های نقد ادبی*. چ ۳. تهران: جامی.
- بیهقی، محمود (۱۳۸۶). *دایرةالمعارف بزرگ سبزوار*. مشهد: سنبله.
- توحدی، کلیم‌اله (۱۳۸۸). «معرفی نمایش‌های آیینی». وبلاگ شخصی. tavahodi.blogfa.com
- جاوید، هوشنگ (۱۳۸۱). «نگرشی بر نمایش‌های آیینی نواحی کاشان». *تئاتر*. ش ۳۱-۳۳. صص ۱۵۳-۲۲۴.
- داور، ابوالقاسم و مهتاب مبینی (۱۳۸۸). *جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان*. چ ۱. تهران: دانشگاه الزهرا.
- دادور، ابوالقاسم و الهام منصوری (۱۳۹۰). *درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان*. چ ۲. تهران: دانشگاه الزهرا (س).
- درویشی، محمدرضا (۱۳۸۰). *از میان سرودها و سکوت‌ها*. چ ۱. تهران: مؤسسه ماهور.
- ستاری، جلال (۱۳۷۴). *نماد و نمایش (مجموعه مقالاتی از مارتین اسلین و دیگران)*. تهران: توس.
- عظیم‌پور تبریزی، پوپک (۱۳۸۹). *فرهنگ عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی آیینی و سنتی ایران*. تهران: نمایش.
- قدیریان، اندیشه و محمدرضا سلیمانی (۱۳۹۰). «نمایش آیینی اسب چوبی، نماد پایداری و وحدت مردم خراسان». *پژوهشنامه فرهنگ خراسان بزرگ*. س ۲. ش ۷۰. صص ۳-۸۰.
- کارگری، حسین (۱۳۶۹). «درباره اسب چوبی». *تئاتر*. ج ۹ و ۱۰. تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. صص ۲۶۸-۲۷۷.

تحلیل آیین نمایشی اسب چوبی و بررسی منشأ آن _____ سید محسن سجادی

- مقصودی، منیژه و موسی‌الرضا غربی (۱۳۹۲). «مراسم آیینی اسب چوبی». مجموعه مقالات انسان‌شناسی هنر. به کوشش بهار مختاریان و محمدرضا رهبری. اصفهان: حوزه هنری اصفهان.
- نصری اشرفی، جهانگیر (۱۳۸۳). نمایش و موسیقی در ایران. ج ۱. تهران: آرون.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۱). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. چ ۴. تهران: فرهنگ معاصر.



Investigating theatrical ritual of “wooden horse “and its origin

Seyyed Mohsen Sajadi¹ *

1. M.Sc. student in cinema- Art University.

Received: 27/02/2019

Accepted: 18/05/2019

Abstract

Marriage and its rituals have always preoccupied the inhabitants of this country. The wooden horse is part of the ancient rituals practiced in some parts of the central plateau, including Khorasan during the marriage ceremony, but Sabzevar is one of the main centers for manifestation of this practice. This ritual has a symbolic function. In this research, various aspects of this ritual are discussed. What is the significance of the wedding ceremony and the presence of a horse in this ritual? In this research, which is descriptive-analytical, firstly, the author has focused on how to hold this ritual, the method of making doll and its components, the presentation of this ritual and the presence of horses in these rituals, the myths and the origin of the ritual of these myths. The next part is allocated to its context and source. The record of this ritual and the fact that the ceremony is gradually falling in oblivion-what necessitates the statement of problem. The ceremony is currently held in Khorasan, Hussein Abad, Aran and Bidgol.

Keywords: Wedding; wooden horse theatre; horse.

*Corresponding Author's E-mail: msajjadib@yahoo.com